

تحلیل مضمون عوامل عرفی شدن نظام سیاسی
در اندیشه شهید مطهری
سعید قربانی^۱، سمانه کشوردوست^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۱

چکیده:

حکومت اسلامی براساس مبانی و ارزش های اسلامی پایه گذاری شده است که هدایت کننده جامعه بر اساس اصول اسلامی است و دین در متن جامعه در ابعاد مختلف حکومتی نقش اصلی دارد. در مقابل این مفهوم، معنای دیگری نیز قابل تصور است و آن هم عرفی شدن حکومت است که در مبانی آن دین از متن جامعه به حاشیه رانده می شود و قانون صرف بشری بر جامعه حکمفرما می گردد. در این مقاله از میان متفکران مسلمان مخالف سکولاریسم به اندیشه آیت الله مطهری پرداخته می شود. سوال اصلی مطرح شده این است که از نگاه آیت الله مطهری عوامل عرفی شدن نظام سیاسی کدامند؟ روش به کار گرفته شده روش تحلیل مضمون است. یافته های پژوهش نشان می دهد که در اندیشه شهید مطهری، عوامل ایجاد و گسترش عرفی شدن نظام سیاسی در ذات دین ریشه ندارد؛ بلکه ناشی از انحراف فکری و انحراف عملکرد مسلمین (تجحر - عدم ساخت صحیح مبانی دینی - تفسیر غلط - انزوای روحانیت و...) و نفوذ استعمار است.

واژگان اصلی: عرفی شدن، آیت الله مطهری، سکولاریسم، حکومت اسلامی، نفوذ استعمار.

۱. دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد و پژوهشگر پژوهشکده مطالعات انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول)

saeed67110@yahoo.com
keshvardoost@ut.ac.ir

۲. دکتری علوم سیاسی و استادیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه تهران

یکی از پیشرفت‌های آیت‌الله مطهری از جمله متفکران جهان اسلام است که به بحث دین و سیاست و ارتباط آن‌ها پرداخته است. در آثار مختلف ایشان به‌نوعی بحث از دین و کارآیی آن قابل دریافت است. از منظر آیت‌الله مطهری دین اسلام، دین الهی است که در آن سیاست جایگاه مهمی دارد. به عبارتی دیگر، دین بدون سیاست کارآیی اجتماعی خود را از دست می‌دهد؛ بدون بعد سیاسی، شکل‌گیری حکومت اسلامی و ظهور و پرتوافکنی دین در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی امکان عملیاتی شدن ندارد. در نگرش شهید مطهری، اسلام به ذات خود مشکلی ندارد، لذا اگر امت اسلامی به بن‌بست می‌رسند و دچار انحطاط و پس‌روی می‌شوند، به سبب شناخت ناقص احکام اسلامی و در نتیجه تحریف عملکرد مسلمین است. بنابراین سوال پژوهش این است که عوامل عرفی شدن نظام سیاسی در اندیشه شهید مطهری کدامند؟

در این مقاله تلاش شده با استفاده از روش تحلیل مضمون و با استناد بر آثار آیت‌الله مطهری، زمینه‌ها و عوامل عرفی شدن حکومت اسلامی مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد. در مرحله اول چارچوب مفهومی از بیانات شهید مطهری در باب اسلام و سکولاریسم مطرح شود و سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون عوامل عرفی شدن نظام سیاسی تحلیل شود. در روش تحلیل مضمون ابتدا متن در قالب جدول قرار می‌گیرد و سپس از متن مضامین پایه استخراج می‌گردد و بعد از مضامین پایه مضامین سازمان‌دهنده تحت عنوان شبکه‌ی کشف مضامین بدست می‌آید و در انتهای کار مضامین فراگیر که همان عوامل عرفی شدن نظام سیاسی است استخراج می‌گردد.

الف. چارچوب مفهومی

۱. اسلام در نگاه شهید مطهری

دین از نگاه آیت‌الله مطهری، یک سازمان گسترده و وسیع فکری-عقلانی، اعتقادی، اخلاقی و عملی می‌باشد که تمامی ابعاد حیات انسان را شامل می‌شود و در موقعیت یک برنامه‌ی کامل، قابلیت آن را دارد که انسان را به سرمنزل مقصود و کمال سوق دهد (ولی‌نژاد و همکار، ۱۳۹۶: ۸۷). شهید مطهری در تعریف و مفهوم‌سازی دین اسلام، اسلام را دینی می‌داند که جامع و کامل است و انسان را در مسیر صراط مستقیم الهی راهنمایی و هدایت می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۵)

شهید مطهری حقیقت و واقعیت اسلام را تسلیم شدن انسان در برابر اراده‌ی الهی می‌داند. اسلام

به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی و توحیدی در نظر شهید مطهری دارای معنا و حقیقت مشخصی است، ایشان تعاریف و معانی گوناگونی از اسلام ارائه می‌دهند. بر این مبنا، اسلام در لغت به معنی تسلیم می‌باشد و نشان‌گر این حقیقت است که تسلیم واقعیت‌ها و حقیقت‌ها بودن، نخستین شرط مسلمان بودن است. لذا می‌توان گفت اسلام یعنی تسلیم به قانون خدا یا تسلیم شدن به خدا و پذیرفتن رسالت فرستادگان او (قربانی، ۱۳۸۴: ۱۲۲) شهید مطهری در باب اسلام می‌گوید:

«پس لازمه ایمان به همه پیامبران این است که در هر زمانی تسلیم شریعت همان پیامبری باشیم که دوره او است و قهراً لازم است در دوره ختمیه به آخرین دستورهایی که از جانب خدا به‌وسیله آخرین پیامبر رسیده است، عمل کنیم و این، لازمه اسلام، یعنی تسلیم شدن به خدا و پذیرفتن رسالت‌های فرستادگان او است.» (مطهری، ۱۳۹۸ الف: ۲۵۱)

۲. دین اسلام و سیاست

۲. ۱. جامعیت مکتب اسلام

از نگاه شهید مطهری، دین اسلام آیینی است جامع که شامل تمام شئون حیات بشر اعم از ظاهری و باطنی می‌گردد و در عین حال که مکتبی تهذیبی و اخلاقی است، سیستمی اجتماعی و سیاسی هم به شمار می‌رود. (روستایی، ۱۳۸۱: ۷۵) او در تشریح همه‌جانبه بودن احکام و آموزه‌های دین اسلام، مجموعه‌ی تعلیمات اسلامی را در سه بخش عقاید، اخلاقیات و احکام قابل تقسیم دانسته و در این باره می‌نویسد: «اسلام که بر چنین جهان‌بینی بنیاد شده است، مکتبی است جامع و واقع‌گرا. در اسلام به همه جوانب نیازهای انسانی - اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی - توجه شده است.» شهید مطهری آموزه‌های اسلام را در سه بخش تقسیم می‌کند که بیان‌گر جامعیت دین اسلام و گستردگی قلمرو آن است. این سه بخش عبارت‌اند از:

الف. اصول عقاید، یعنی چیزهایی که وظیفه هر فرد کوشش درباره آن‌هاست. کاری که در این زمینه بر عهده انسان است، از نوع کار تحقیقی و علمی است.

ب. اخلاقیات، یعنی خصلت‌هایی که وظیفه یک فرد مسلمان این است که خویشتن را به آن خصلت‌ها و خوبی‌ها بیاراید و از اضرار آن‌ها خویشتن را دور نگه دارد. کاری که در این زمینه بر عهده انسان است، از نوع مراقبت نفس و خودسازی است.

ج. احکام، یعنی دستورهایی که به فعالیت‌های خارجی و عینی انسان، اعم از فعالیت‌های معاشی و

معادی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی مربوط است (مطهری، ۱۳۶۲، جلد ۱: ۵۴)

مطهری یکی از امتیازهای سید جمال را معرفی اسلام به عنوان دین جامع و بی نیاز کننده جوامع بشری دانسته و می گوید: «باز به دنبال همین برنامه که می خواست اسلام را مکتب و ایدئولوژی جامع و بی نیاز کننده معرفی کند، به دفاع از انتقادهایی که از اسلام در اروپا می شد، پرداخت. در اروپا علیه اسلام تبلیغ می شد که اسلام دین جبری و قضا و قدری است و آزادی فرد را نفی می کند و علت انحطاط مسلمانان اعتقاد آن ها به قضا و قدر جبری و کور است و می گفتند اسلام ضد علم است، دوری مسلمانان از علم را باید در تعلیمات خود اسلام جست. سید در مجله عروه الوتقی و در مقاله ای مستقل، از نظریه اسلام درباره قضا و قدر دفاع کرد و آن را در شکل اسلامی اش نه تنها عامل انحطاط ندانست، برعکس عامل ترقی و تعالی شمرد و همچنین به ارنست رنان، فیلسوف فرانسوی معاصرش که به اسلام تاخته بود و آن را ضد علم و عامل انحطاط مسلمین به حساب آورده بود، پاسخ داد» (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۳) در اندیشه شهید مطهری دین اسلام، دین جامعی است که خدا و انسان را به یکدیگر پیوند زده است، در یک طرف آن الله است و در طرف دیگر آن بشر به عنوان خلیفه الهی جای دارد: «اسلام دینی است از طرف خدا برای انسان که در این جهان زندگی می کند. پس این دین یک سرش به خدا وابسته است و یک سرش به انسان، و انسان موجودی از موجودات این جهان است و یکی از مختصاتش این است که زندگی او یک زندگی اجتماعی است.» (مطهری، ۱۳۹۸، ب: ۴۳)

۲.۲. اسلام، سیاست و حکومت داری

حقانیت، جامعیت و پایداری مکتب اسلام دلیل هایی هستند که جدایی دین از سیاست را مردود می داند. از این لحاظ، لازم است شریعت دربرگیرنده مقرراتی و اصولی باشد که به نیازهای دنیوی بشر هم پاسخ گو باشد؛ ضرورت دارد که دین با فطرت انسان هماهنگ باشد تا تشریح با تکوین مطابقت کند و به آنچه خلقت انسان اقتضای آن را دارد، پاسخ دهد (کلاته، ۱۳۸۷: ۵۰) از نگاه شهید مطهری دین اسلام دین حکومت داری است، مبنای دین این نیست که صرفاً دعوتی صورت گیرد و مردم مشغول در معنویات شوند، بلکه هدف دین اسلام تشکیل حکومت و پیاده سازی آموزه های الهی است: «اسلام دین سیاست است، اسلام دین اجتماع است» (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۴) مطهری دولت و حکومت را مظهر قدرت و عدالت و قانون دانسته است. (مطهری، ۱۳۷۸، الف، جلد ۱۰: ۴۹) بر اساس بیانات شهید مطهری، در نگاه محمد عبده در اسلام ظرفیت و توانایی جهت اداره جامعه ی اسلامی

وجود دارد؛ لذا بر امت اسلامی است که بر مبانی اسلامی تکیه کند: «عبده مانند سید جمال در پی آن بود که ثابت کند اسلام توانایی دارد که به صورت یک مکتب و یک ایدئولوژی، راهنما و تکیه‌گاه اندیشه جامعه اسلامی قرار گیرد و آن‌ها را به عزت دنیایی و سعادت اخروی برساند. از این رو سعی داشت فلسفه‌های دنیایی و اجتماعی مقررات اسلامی از قبیل نماز و روزه و حج و زکات و انفاق، و استحکام اصول اخلاقی اسلام را روشن نماید.» (مطهری، ۱۳۷۰: ۳۷)

۳.۲. پیوند دیانت و سیاست

مطهری اسلام را یگانه دینی می‌داند که در میان ادیان و مذاهب گوناگون در شئون حیات مردم وارد شده و مداخله کرده است؛ و رابطه متقابل با مقوله سیاست و حکومت دارد و نسبت این دو مقوله را نسبت روح و بدن و مغز و پوسته توصف می‌کند (قردان قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۸) وی پیوند دین و سیاست را از زاویه‌ی نگاه امام خمینی (ره) مورد واکاوی قرار می‌دهد و از این زاویه مخالفت خود را با جدایی دین از سیاست ابراز می‌کند (مطهری، ۱۳۸۵: ۸۷)

۴.۲. علمانیت (جدایی دین از سیاست)

در عصر حیات مطهری، اصطلاح سکولاریسم کاربرد زیادی نداشت و به عبارتی زیاد معمول نبوده، علی‌الظاهر یکی از دلایل آن، محقق شدن عملی آن در حکومت پهلوی بوده است. با این حال، وی به علت تتبع و مطالعات خویش در اندیشه و تفکر سیاسی و اجتماعی اسلام و غرب، با چنین نظریه‌ای آشنا بود. اصطلاح سکولاریسم، در مواردی کم و محدود، در آثار و نوشتار قلمی و بیانی وی به معنای افتراق دین از سیاست و حکومت به کار گرفته شده است. چنان‌که پس از تبیین نظریه‌ی «همبستگی دین و سیاست» سید جمال‌الدین اسدآبادی، ضد آن را سکولاریسم و «علمانیت» توصف می‌کند: «کوشش‌هایی بعدها متقابلاً از طرف عمال استعمار در جهت جدایی دین و سیاست (سکولاریسم) به عمل آمد که به نام علمانیت معروف شد.» (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۵) ایشان جدایی دین از سیاست را به «بیرون کردن دین از صحنه‌ی سیاست» تعریف کرده و آن را جدایی از اعضای ذاتی و اصلی خود وصف می‌کند (قردان قراملکی، ۱۳۸۳: ۳۰) مطهری معتقد است که بزرگ‌ترین ضربه، زمانی بر پیکر اسلام وارد شد که سیاست از دیانت جدا گشت. بنا به گفته‌ی ایشان، نسبت دیانت با سیاست، نسبت روح و بدن و مغز و پوست باید به یکدیگر بیبوندند. فلسفه وجودی پوست، حفاظت از مغز است. پوست از مغز نیرو می‌گیرد و برای حفظ آن است (نوروزی، ۱۳۹۱: ۵۰) استاد مطهری برخلاف نگاه عرفی شدن سیاست معتقد است که اسلام علاوه بر اینکه برای آخرت

انسان برنامه تعیین کرده برای مسائل دنیوی نیز برنامه داشته و به هیچ وجه جدایی دین از سیاست و دوگانگی دنیا و آخرت را نمی پذیرد (عباسی، ۱۳۸۱: ۴۸) از نگاه شهید مطهری اندیشه‌ی جدایی دین از سیاست را علمای مسیحی تبلیغ کردند، لکن این فکر صرفاً مربوط به آن‌ها نبود بلکه مواردی از روشنفکران مسلمان نیز به حمایت و تبلیغ این طرح پرداختند (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۵)

شهید مطهری دلیل تبلیغ علمانیت توسط مسلمانان را در قالب زیر موشکافی و تحلیل می‌کند: «این مسلمانان در حقیقت از یک جریان دیگر رنج می‌بردند، و آن اینکه در جهان تسنن به حکم اینکه خلفا و سلاطین را «اولی الامر» می‌دانستند و اطاعت آن‌ها را از جنبه دینی واجب می‌شمردند، همبستگی دین و سیاست به صورت در خدمت قرار گرفتن دین از طرف سیاست بود. آنان که طرفدار جدایی دین از سیاست بودند این چنین جدایی را می‌خواستند؛ یعنی می‌خواستند خلیفه عثمانی یا حاکم مصری صرفاً یک مقام دنیایی شناخته شود نه یک مقام دینی، و وجدان مذهبی و ملی مردم در انتقاد از او آزاد باشد، و این سخنی درست بود. همبستگی دین و سیاست که امثال سید جمال مطرح می‌کردند به معنی این نبود که به قول کواکبی استبداد سیاسی به خود قداست دینی بدهد، بلکه برعکس به معنی این است که توده مسلمان دخالت در سرنوشت سیاسی خود را یک وظیفه و مسئولیت مهم دینی بشمارد. همبستگی دین و سیاست به معنی وابستگی دین به سیاست نیست، بلکه به معنی وابستگی سیاست به دین است. عده‌ای از مسلمانان عرب که از علمانیت و جدایی دین از سیاست دفاع می‌کردند، نمی‌خواستند دخالت توده را در سیاست به عنوان یک وظیفه دینی انکار کنند، می‌خواستند اعتبار دینی و مذهبی مقامات سیاسی را نفی نمایند.» (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۵)

ب. روش شناسی: پژوهش کیفی و تحلیل مضمون

تحلیل مضمون روشی است که عموماً جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحقیقات کیفی اولیه مورد بهره برداری قرار می‌گیرد (بخت‌آزمای و منتظر خراسان، ۱۳۹۶: ۲۸) این گونه روش داده‌ها را سازماندهی و با جزئیات توصیف می‌کند لکن می‌تواند از این فراتر رفته و ابعاد گوناگون موضوع تحقیق را تفسیر کند (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۸۹) تحلیل مضمون، روشی جهت شناختن، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. به صورت کلی تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک و فهم مناسب از اطلاعات و یافته‌های علی‌الظاهر بدون ارتباط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند فرد، تعامل، گروه، سازمان، موقعیت و فرهنگ، تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی برای تحلیل مضمون می‌توان از نرم‌افزارهای تحلیل محتوای کیفی هم بهره برد.

روش مذکور از شمارش کلمات و عبارات ظاهری، فراتر می‌رود و جهت شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی متمرکز می‌گردد. سپس، از کدهای مضامین اصلی جهت تحلیل عمیق داده‌ها بهره برداری می‌شود. از فراوانی نسبی مضامین جهت تطبیق و مقایسه آنها و ایجاد ماتریس مضامین و ترسیم شبکه مضامین در تحلیل مضمون استفاده کرد. (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴-۵۳)

مرحله‌ی تحلیلی	گام	اقدام
الف) تحویل یا خرد کردن متن	گام اول: کدگذاری	تهیه یک چارچوب کدگذاری تجزیه متن به پاره‌گفتارها با استفاده از چارچوب کدگذاری
	گام دوم: شناخت مضامین	انتزاع مضامین از پاره‌گفتارها تصحیح مضامین
ب) کاوش متن	گام سوم: ساختن شبکه‌های مضمونی	منظم کردن مضامین یافتن مضامین پایه‌ای بازآرایی مضامین پایه‌ای برای یافتن مضامین سازمان‌دهنده استخراج مضمون(مضامین) فراگیر ترسیم شبکه(های) مضمونی بازبینی و تصحیح شبکه(های) مضمونی
	گام چهارم: توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی	توصیف شبکه اکتشاف شبکه
ج) یکپارچه‌سازی اکتشافها	گام پنجم: خلاصه‌کردن شبکه‌های مضمونی	
	گام ششم: توصیف الگوها	

شکل شماره ۱. ساختار شبکه مضمونی (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۷)

۱. مراحل روش تحلیل مضمون

بر اساس توضیحاتی که در قسمت روش شناسی در ابتدای مقاله ارائه شد؛ در این قسمت تلاش این است که بر اساس سه رویکرد متن، مضامین پایه و فراگیر مبحث عرفی شدن نظام سیاسی در اندیشه‌ی شهید مطهری تبیین شود:

۱.۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه‌ای

برای شروع کار تحلیل مضامین در اندیشه متفکران لازم است مضمون‌های پایه استخراج شود و نخستین مرحله، تحویل متن است. در این مرحله، نقل قول‌های مربوط به شهید مطهری در خصوص عوامل و موانع عرفی شدن حکومت اسلامی استخراج می‌شود. این مضامین در کدهایی سازماندهی می‌شوند که با عنوان مضامین پایه‌ای شناخته می‌شوند. این مضامین برای شکل‌گیری مضامین فراگیر لازم هستند و اگر روند استخراج کدها و مضامین عام به خوبی انجام نشود، بستر استخراج مضامین فراگیر فراهم نمی‌شود. نقل قول‌های استخراج شده از متن آثار متفکران مورد نظر، مطالبی را مستقیماً

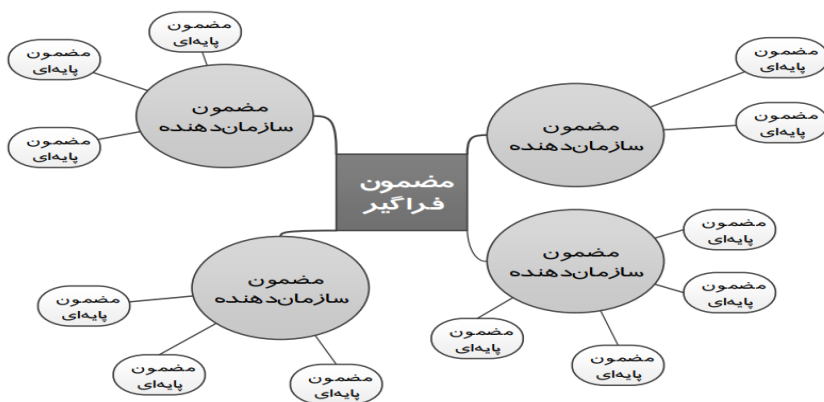
به ذهن متبادر می‌کند که با استخراج مضامین این نقل قول‌ها، بسترهای ورد به مرحله دوم فراهم می‌شود.

۲.۱. تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر

در مرحله دوم تحلیل مضمون، مضامین پایه‌ای به مضامین فراگیر تبدیل می‌شوند. در این مرحله، مضمون‌های سازمان دهنده از مضامین استخراج شده از مرحله تحویل متن نیز انتزاع می‌شوند. اقدام اساسی در این مرحله، سازماندهی مجدد مضامین اولیه برای ارائه مضامین انتزاعی‌تر است که فرصت دستیابی به مضامین اصلی و فراگیر را فراهم می‌آورد. مضامین فراگیر نیز اصلی، مرکزی و جامع‌تر نسبت به مضامین مرحله اول می‌باشد و امکان توصیف شبکه مضامین را فراهم می‌آورد.

۳.۱. کشف و توصیف شبکه مضامین

بعد از استخراج مضامین پایه و فراگیر در مرحله اول و دوم تحلیل مضمون، فضای لازم برای توصیف و تشریح مضامین مربوط به موانع و عوامل عرفی شدن حکومت اسلامی در اندیشه متفکران اسلامی فراهم می‌شود. با بررسی مضامین استخراج شده و کدگذاری‌های لازم، شبکه مضامین تشریح و توصیف می‌شود. در انتهای این مرحله، مجموعه مضامین مندرج در جداول تحلیل مضمون به صورت تحلیلی ارائه می‌شود و نمودار شاخص شبکه مضامین ارائه می‌شود.



شکل شماره ۲. ساختار شبکه مضمونی (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵)

۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه

در این بخش، مضامین پایه و کدهای ابتدایی مربوط به موانع و عوامل عرفی شدن در اندیشه شهید مطهری در جدول ارائه می‌شود تا بسترهای استخراج مضمون‌های فراگیر در مرحله بعد فراهم شود.

جدول شماره ۳. تحویل متن و استخراج مضامین پایه موانع و عوامل عرفی شدن در اندیشه شهید مطهری		
ردیف	متن	مضامین پایه
۱	کسانی که این چنین فکر می‌کنند، مکتب اسلام را به مکتب‌های دیگر تطبیق می‌دهند، استقلال را از مکتب اسلام و در واقع از اسلام مکتبی و اسلام ایدئولوژیک می‌گیرند و عناصر مکتب‌های دیگر را وارد می‌کنند چه بداند چه نداند در خدمت استعمار هستند. خدمت این‌ها به استعمار از خدمت حامل استعمار سیاسی و حامل استعمار اقتصادی بیشتر است و کمتر نیست.	ورود عناصر مکاتب شرقی و غربی به جامعه دینی متجر به شقاق خواهد شد.
۲	اگر بنا بشود که یک مکتب شفاطی به نام اسلام درست کنیم، برویم ببینیم که فلان فرد، فلان گروه، فلان مکتب چه می‌گوید، یک‌چیزی از مارکسیسم بگیریم یک‌چیزی از اگزیستنیالیسم بگیریم یک‌چیزی از سوسیالیسم بگیریم یک‌چیزی هم از اسلام بگیریم بعد یکد آتش‌فدکاری درست کنیم و بگوییم این است مکتب اسلام، این برای مدت موقت ممکن است مفید واقع شود (ولی برای همیشه نه)، مکتب‌های شفاطی به عقیده من ضررشان برای اسلام از مکتب‌هایی که صریحاً ضد اسلامی هستند اگر بیشتر نباشد کمتر نیست.	مکتب شفاطی نمی‌تواند به جامعه دینی کمک نماید و دستاوردهای آن مقطعی است.
۳	در قرون اخیر باکمال تأسف در میان جوانان و به اصطلاح طبقه روشنفکر مسلمان، تمایلاتی در جهت غرب‌گرایی و نفی اصالت‌های شرقی و اسلامی و تسلیم و تقلید درست از «ایسم‌های غربی پدید آمده است و بدبختانه این گرایش در حال گسترش است.	مکتب‌های شفاطی ضرر و آسیب فراوانی برای اسلام دارند و حتی از مکاتب ضد دین هم خطرناک‌تر هستند.
۴	بعضی از مقدس‌مآبان و مدعیان تبلیغ دین، به نام دین یا همه‌چیز به جنگه برمی‌خیزند شعارشان این است: اگر می‌خواهی دین داشته باشی پشت پا بزن به همه‌چیز، گرد مال و ثروت نگر، ترک حیثیت و مقام کن، زن و فرزند را رها کن، از علم بگیریز که حجاب اکبر است و مایه‌ی گمراهی است، از خلق بگیریز و به اتزوا پناه ببر و امثال این‌ها. بنابراین اگر کسی بخواهد به فریزه‌ی دینی خود پاسخ مثبت بدهد باید با همه‌چیز در حال جنگ باشد. بدیهی است وقتی که مفهوم زهد، ترک وسائل معاش و ترک موقعیت اجتماعی و اتزوا و اهراس از انسان‌های دیگر باشد وقتی که فریزه‌ی جنسی پدید شناخته شود و منزهرترین افراد کسی باشد که در همه‌ی عمر مجرد زیسته است؛ وقتی که علم دشمن دین معرفی شود و علما و دانشمندان به نام دین در آتش افکنده شوند و با سرهاشان زیر گویوتین برود مسلماً مردم به دین بدبین خواهند شد.	جهالت و عدم فهم صحیح نسبت به دین متجر به اقداماتی برخلاف مصالح دین می‌شود.
۵	جمود که بدتر از جهالت است عبارت است از روح ضد تحقیق، عبارت است از حالتی که مقدس‌ترین روحیه را که روحیه‌ی تحقیق و کاوشگری است، از بشر می‌گیرد.	اقدامات مقدس‌مآبان و مدعیان دروغین دین متجر به بدبینی مردم نسبت به دین می‌شود.
		آموزه‌های احرافی مقدس‌مآبان متجر به پذیرش آموزه‌های دینی غربی می‌شود چون قید و بندهای سخت گیرانه پیش روی انسان قرار نمی‌دهند.
		جمود متجر به دوری افراد از تحقیق و کنجکاوی در آموزه‌های دینی می‌شود.
		علم زدگی جریان جمود متجر به دوری جامعه از محتوای دین می‌شود.

۶	<p>دین مقدس اسلام یک دین ناشناخته است. حقایق این دین تدریجاً در نظر مردم، واژگونه شده است، و علت اساسی گریز گروهی از مردم، تعلیمات غلطی است که به این نام داده می‌شود. این دین مقدس در حال حاضر بیش از هر چیز دیگر از ناحیه برخی از کسانی که مدعی حمایت از آن هستند ضربه و صدمه می‌بیند. هجوم استعمار غربی با عوامل مرئی و نامرئیش از یک‌طرف، و قصور یا تقصیر بسیاری از مدعیان حمایت از اسلام در این عصر از طرف دیگر، سبب شده که اندیشه‌های اسلامی در زمینه‌های مختلف، از اصول گرفته تا فروع، مورد هجوم و حمله قرار گیرد.</p>
۷	<p>حالا که بر دشمن بیرونی پیروز شده‌ایم، دیگر از او ترسی نداشته باشید، ولی ترس داشته باشید، ترس از خود، ترس از منحرف شدن این نهضت و انقلاب. مسئله‌ای الآن براق ما مطرح است که اگر ما با واقع‌بینی دقیق و کامل با آن مواجه نشویم و در آن تعصبات یا چیزهای دیگر را دخالت دهیم باز شکست این انقلاب که تا این مرحله که کوچک‌ترین مرحله‌اش بوده است پیش آمده روق قاعدق و اوشون و روق قاعدق ان الله لایغیرز ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم قابل پیش‌بینی است.</p>
۸	<p>اسلام اگر تنها جنبه اخلاقی می‌داشت مانند یک مکتب اخلاقی که کارش فقط پیشه‌های اخلاقی و بند و نصیحت است، فقط به مواضع و نصایح می‌پرداخت و کارق به ترکیب و سازمان اجتماعی نمی‌داشت، ممکن نبود که بتواند جامعه‌ای نو بسازد، جامعه‌ای متحد و همفکر و همدل که جریان تاریخ را عوض کند.</p>
۹	<p>مقام قداست عدالت تا آنجا بالا رفته که پیامبران الهی به خاطر آن مبعوث شده‌اند. علی‌هذا، چگونه ممکن است کسی مانند علی که شارح و مفسر قرآن و توضیح‌دهنده اصول و فروع اسلام است، درباره این مسئله سکوت کند و یا در درجه کتربق از اهمیت آن را قرار دهد؟ آنان که در تعلیمات خود توجهی به این مسائل ندارند و یا خیال می‌کنند این مسائل در حاشیه است و تنها مسائلی از قبیل طهارت و نجاست در متن دین است، لازم است در افکار و عقاید خود تجدیدنظر نمایند.</p>
۱۰	<p>یک نهضت خدایی یعنی یک نهضت مذهبی ضرورتاً باید در آن خلوص حکم‌فرما باشد و اگر نوعی ناخالصی، هوا، هوس، طمع، بالخصوص در رهبران نفوذ پیدا کند، نهضت مذهبی زود از بین خواهد رفت.</p>
۱۱	<p>وقتی که علم دشمن دین معرفی شود و علما و دانشمندان به نام دین در آتش افکنده شوند و یا سرهاشان زیر گریوتین برود مسلماً و قطعاً مردم به دین بدبین خواهند شد.</p>
۱۲	<p>مردم در حال جهالت از هیچ چیز استفاده کامل نمی‌کنند حتی از دین. منشأ بسیاری از بی‌دینی‌ها بی‌علمی و آشنا نبودن به تعلیمات الهی است. قرآن کریم درباره کسانی که منکر قرآن بودند این‌طور می‌فرماید: <i>بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلَهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ</i> یعنی این گروه چیزی را منکر شدند و نسبت جعل و افتراء به آن دادند که آن را بدرستی ندانسته و فهمیده‌اند و حقیقت آن چیز بر آن‌ها کشف نشده.</p>
۱۳	<p>ما مسلمانان دعوت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر داریم ولی چون هدف‌های اسلامی را نمی‌شناسیم، مخصوصاً از هدف‌های بزرگ و اساسی و اصولی اسلام بی‌خبریم، از اسلام فقط به یک سلسله دستورهای ظاهری که مربوط به قشر اسلام است نه لب و مغز آن آشنایی داریم.</p>

۱۴	از آن روزی که به علل تاریخی معنی و حقیقت اسلام را از دست دادند و تنها به اسم قناعت کردند و از خودشان بدعت‌هایی بر آن افزودند راه تنزل و انحطاط پیمودند	دور شدن از حقیقت اسلام عامل استحاله و تخریب دین و در نهایت، انحطاط امت اسلامی می‌شود.
۱۵	انحرافات در دنیای اسلام از همین جا پیدا شده و می‌شود که ما یک‌گوشه را بگیریم و بچسبیم ولی گوشه‌های دیگر را رها کنیم. به این ترتیب فهدراً همه را خراب و فاسد می‌کنیم. ^۱	انحراف در جهان اسلام به دلیل برخورد گزینشی و سلیقه محور با مفاهیم، مضامین و آموزه های دین اسلام است.
۱۶	جامعه مانند فرد، روح و شخصیت دارد، مانند فرد احياناً دچار تنزل شخصیت و از دست دادن هویت می‌گردد، ایمان به خود را و حبس احترام به ذات و کرامت ذات را از دست می‌دهد و یکسره سقوط می‌کند. هر جامعه‌ای که ایمان به خویشتن و احترام به کبان ذات و کرامت ذات خویشتن را از دست بدهد، محکوم به سقوط است. اقبال معتقد است که جامعه اسلامی در حال حاضر در برخورد با تمدن و فرهنگ غربی دچار بیماری تنزل شخصیت و از دست دادن هویت شده است.	در مسیر استعمار فرهنگی، دشمنان مترصد تنزل در روح جامعه دینی هستند.
۱۷	ما اگر مکتب مستقل خودمان را ارائه نکنیم انقلاب ما به نتیجه و ثمر نمی‌رسد، جذب مکتب‌های دیگر می‌شویم. ولو اینکه رژیم را عوض کردیم، استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی به دست آوردیم اما اگر به استقلال فرهنگی، بالخصوص به استقلال مکتبی نرسیم باخته‌ایم.	برخی از افراد قصد دارند استقلال فکری و فرهنگی جهان اسلام را محدودش نمایند و از جهان بینی غربی حمایت می‌کنند.
۱۸	گاهی یک جامعه در مقابل جامعه دیگر خودش را می‌یازد، خودباخته می‌شود، مستح می‌شود. گاهی یک جامعه، جامعه دیگر را از روی زورنگی با عواملی که دارد خودباخته می‌کند. نیرنگ بزرگ استعمار با کشورهای مستعمره و کشورهای استعمارزده همین است، کوشش می‌کند که کشور استعمارزده اعتماد و ایمان به خودش و ایمان به بحیث خودش را از دست بدهد؛ به فرهنگ خود، دین خود، ملیت خود، کتاب‌های خود، پیشوایان خود، به تاریخ گذشته خود و به هرچه که دارد بی‌اعتقاد شود.	توجه آیات و روایات از طریق جهان بینی مادی و تفکرات مادی گرایانه برخلاف آموزه های دینی است.
۱۹	استعمار یکه شکل ندارد. استعمار سیاسی داریم، استعمار اقتصادی داریم و استعمار فرهنگی داریم که از استعمار سیاسی و اقتصادی خطرناک‌تر است و اصلاً امکان ندارد که استعمار اقتصادی باشد بدون استعمار سیاسی و استعمار فرهنگی	اندیشه های بیگانه رویکردی انحرافی نسبت به مبانی، اهداف و آموزه های اسلامی دارند.
۲۰	هنگامی که یک نهفت اجتماعی اوج می‌گیرد و جاذبه پیدا می‌کند پیروان مکتب‌های دیگر برای رخنه کردن در آن، اندیشه‌های بیگانه را که با روح آن مکتب مغایر است وارد آن مکتب می‌کنند و آن مکتب را کم اثر می‌کنند. پس از گسترده‌گی اسلام، مخالفان اسلام مبارزه با اسلام را از طریق تحریف آغاز کردند اسرائیلیات، مجوسیات، مانویات یا مارک اسلام وارد حدیث و تفسیر و افکار و اندیشه‌های مسلمانان گردید. گاهی پیروان خود مکتب به علت ناآشنایی درست با مکتب، مجذوب یک سلسله نظریات و اندیشه‌های بیگانه می‌گردند و آگاهانه یا ناآگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می‌دهند و عرصه می‌نمایند.	غرب سعی در ترویج خودباختگی و استحاله افکار و اندیشه متفکرین جهان اسلام دارد.
		استعمار فرهنگی از بسترهای مقابله با دین اسلام ناب است.
		استعمار فرهنگی مترصد نابودی شخصیت فرد مسلمان و جایگزینی افکار غربی در افراد و جامعه است.
		ورود اندیشه های مکاتب غربی در جهان اسلام یکی از شیوه های تخریب اسلام توسط معاندان و دشمنان اسلام است.

	تعریف اندیشه های اسلامی از روش های آشکار دشمنان است.	
	اندیشه های انحرافی توسط دشمنان اسلام از طریق نیروهای فکری ناآگاه و دارای بصیرت اندک نیز وارد کشور اسلامی می شود.	
۲۱	امروز که نهضت اسلامی ایران اوج گرفته و مکتب‌ها و «ایسم‌ها» را تحت‌الشعاع قرار داده است، هر دو جریان را مشاهده می‌کنیم. هم گروهی را می‌بینیم که واقعاً وابسته به مکتب‌های دیگر بخصوص مکتب‌های ماتریالیستی هستند و چون می‌دانند با شعارها و مارک‌های ماتریالیستی کم‌تر می‌توان جوان ایرانی را شکار کرد، اندیشه‌های یگانه را با مارک اسلامی عرضه می‌دارند. پدیده‌ی است اسلامی که با محتوای ماتریالیستی در مغز یک جوان فرو رود و تنها پوسته اسلامی داشته باشد به سرعت دور انداخته می‌شود. و هم می‌بینیم - و این خطرناک‌تر است - که افرادی مسلمان اما ناآشنا به معارف اسلامی و شیفته مکتب‌های یگانه، به نام اسلام اخلاقی می‌نویسند و تبلیغ	
۲۲	با اینکه اسلام برخلاف سنت رایج مذهب، هیچ‌گونه امتیازی برای علمای است که منجر به نوعی امتیاز طبقاتی بشود قائل نشده است، ایضاً بزرگ‌ترین نقش‌های دینی را برعهده آنان گذاشته است. در هیچ دینی به اندازه اسلام علمای است نشس اصیل و مؤثری نداشته‌اند.	
۲۳	روحانیت ما در اثر آفت عوام‌زدگی نمی‌تواند چنان که باید، پیشرو باشد و از جلو قافله حرکت کند و به معنی صحیح کلمه هادی قافله باشد، مجبور است در عقب قافله حرکت کند. خاصیت عوام این است که همیشه با گذشته و آنچه به آن خو گرفته پیمان بسته است، حق و باطل را تمیز نمی‌دهد. عوام هر تازه‌ای را بدعت یا هواهوس می‌خواند، ناموس خلقت و مقتضای فطرت و طبیعت را نمی‌شناسد، از این رو با هر نوب مخالفت می‌کند و همیشه طرفدار حفظ وضع موجود است.	
۲۴	الآن روحانیت صد برابر سال گذشته و ده سال گذشته احتیاج به تقویت و برنامه و کار دارد. مردم صد برابر گذشته احتیاج به ارشاد و هدایت و راهنمایی دارند، احتیاج به تعلیم اخلاقی و معنوی دارند.	روحانیتی که از مسیر اصلی دین خارج شود و دچار عوام زدگی بشود یک خطر جدی برای اسلام است.
۲۵	روشنفکران شرقی و اسلامی و آفریقای هم می‌خواهد با همان معیارهای غربی به ملیت و ناسیونالیسم خود رنگ بدهد و آن را بشناساند؛ یعنی یا اسلحه‌ای که دشمن بدو فروخته می‌خواهد ملیت خود را بسازد و از آن دفاع کند.	روشنفکران شرقی و غربی مروج اندیشه های ملی گرایانه هستند. روشنفکران وابسته که افکار ملی گرایانه افراطی دارند یک تهدید برای ملت ها هستند.
۲۶	اسلام به شکل ظاهر و صورت زندگی که وابستگی تام و تمامی به میزان دانش بشر دارد نپرداخته است. دستورهای اسلامی مربوط است به روح و معنی و هدف زندگی و بهترین راهی که بشر باید برای وصول به آن هدف‌ها پیش بگیرد.	اسلام مترصد ارتقاء محتوای زندگی است و مخالف ظواهر و تاکید بی اندازه بر مسائل مادی است.
۲۷	همه پستی‌های اخلاقی از دروغ و ریا و تملق و ظلم، ناشی از دنیاپرستی است و آدم دنیاپرست و مادی نمی‌تواند شجاع باشد و گذشت داشته باشد، نمی‌تواند عفت داشته باشد، نمی‌تواند حریت و آزادگی داشته باشد. زاهد به معنای صحیح کلمه، نه به معنای	دنیا پرستی و حب دنیا یکی از رذیلت های اخلاقی محسوب می شود.

	<p>یک شخص ضعیف منفی که در دون درجه دنیاپرستان زندگی می‌کند و اصیلاً ریزه‌خوَر خوان آن‌ها و طفیلی آنهاست، بلکه به معنای مردی فوق درجه دنیاپرستان است.</p>	
۲۸	<p>از نظر اسلام در رابطه انسان و دنیا «نیاستی» است و آفت و بیماری در انسان تلقی می‌شود و اسلام در تعلیمات خویش مبارزه‌ای بی‌امان با آن دارد؛ تعلق انسان به دنیاست نه علاقه و ارتباط او به دنیا، اسیر زمستی انسان است نه آزادزستی او، هدف و مقصد قرار گرفتن دنیاست نه وسیله و راه واقع شدن آن. رابطه انسان و دنیا اگر به صورت وابستگی انسان در آید، موجب محو و نابودی تمام ارزش‌های عالی انسان می‌گردد.</p>	<p>رابطه انسان و دنیا باید براساس مناسبات دینی تنظیم شود و از وابستگی به دنیا جلوگیری شود. دنیاهنگاری ارزش و مقام انسانی را می‌کاهد. حجب دنیا مانع رشد و تعالی انسان می‌شود.</p>
۲۹	<p>انقلاب اسلامی، اگر تحت تأثیر مکتب‌های ماتریالیستی معنوت را کوچک و ضعیف بشمارد و گرایش مادی زیادی پیدا بکند باز به خطر خواهد افتاد.</p>	<p>مکتب ماتریالیستی آفت نظام ارزشی هستند.</p>
۳۰	<p>یکی از چیزهایی که موجب اعراض و تنفر مردم از خدا و دین می‌شود آلوده بودن محیط و غرق شدن افراد در شهوت‌پرستی و هواپرستی است. محیط آلوده همواره موجبات تعریک شهوات و تن‌پروری و حیوان‌هستی را فراهم می‌کند. بدیهی است که غرق شدن در شهوات پست حیوانی یا هرگونه احساس تعالی، اعم از تعالی مذهب یا اخلاقی یا علمی یا هنری، منافات دارد و همه آن‌ها را می‌بیراند.</p>	<p>دوری از معنوت، الهیات و ارزش‌های معنوی ناشی از رویگردانی مردم از دین و شهوت‌گرایی است. شهوات و تن‌پروری عامل تنگ نظری و کاهش احساسات دینی در جامعه خواهد شد.</p>
۳۱	<p>در تاریخ اندلس اسلامی یعنی اسپانیای فعلی می‌خوانیم که نشه‌ای که مسیحیان برای تصرف اندلس و بیرون کشیدن آن از دست مسلمین کشیدند این بود که به صورت دوستی و خدمت، وسائل عیاشی برای آن‌ها فراهم کردند: باغ‌ها و بوستان‌ها وقف ساختن شراب و نوشیدن مسلمین شد. دختران زیبا و طناز در خیابان‌ها به دلربایی و عاشق‌سازی پرداختند. سرگرمی‌های شهوانی از هر جهت فراهم شد و روح ایمان و جوانمردی مرد.</p>	<p>شهواترانی روحیه انسانی و اسلامی را نابود می‌سازد. مشغولیت به ظواهر دنیایی و تأکید بر نیازهای شهوانی، عامل نابودی فرد و جامعه خواهد بود.</p>
۳۲	<p>چقدر اسباب تأسف است که تدریجاً باسوادهای ما هم که هرگونه کتاب علمی و غیرعلمی و حتی کتاب‌هایی را که به زبان‌های بیگانگان نوشته شده است می‌توانند قرائت کنند ولی از قرانت - چه رسد به حفظ - کتاب مقدس خودشان ناتوانند، با اینکه قرآن مجید گذشته از سایر مزایایی که دارد یک مزیتش - که برای همین بوده است که مورد توجه واقع بشود - زیبایی و فصاحت و بلاغت قرآن است و این امر کم‌کم دارد در میان ما متروک می‌شود.</p>	<p>دوری جامعه از قرآن و روی آوردن به زبان‌های غربی از جمله آفت‌های نظام اسلامی است. متروک شدن قرآن و درک مفاهیم نورانی آن عامل عرفی شدن جامعه اسلامی می‌باشد.</p>
۳۳	<p>یکی دیگر از موجبات اعراض و روی گرداندن از دین، جنگ و ستیزی است که برخی از داعیان و مبلغان دینی بی‌خرد میان دین و سایر فرایز فطری و طبیعی بشر ایجاد می‌کنند و دین را به جای اینکه مصلح و تعدیل‌کننده‌ی غرایض دیگر معرفی کنند آن را ضد و منافی و دشمن سایر فطریات بشر معرفی می‌کنند.</p>	<p>برداشت‌های ناصواب از دین منجر به آسیب زدن به دین می‌شود. تبلیغ اشتباه دین منجر به جنایت‌های فجیع انسانی می‌شود.</p>
۳۴	<p>اما به فکر امروز خودمان که نگاه می‌کنیم می‌بینیم عمل به عناوین و اسامی مختلف تحقیر می‌شود می‌بینیم ملت ما به چیزی که اعتنا ندارد، عمل است. اینکه می‌گوییم احیای تفکر اسلامی، یکی از مواردش این است که در مسئله عمل، فکر ما باید زنده بشود، باید بفهمیم اسلام دین عمل است، دین وابستگی‌های خیالی نیست.</p>	<p>عمل نکردن به آموزه‌های دینی یکی از مسائل مهم پیش روی جوانان در نظام اسلامی است. اسلام دین عمل است و افراد باید به آموزه‌های اسلامی توجه داشته باشند و عمل به احکام و فرامین را مدنظر قرار دهند.</p>

۳۵	این جهت بهانه‌ای به دست اروپاییان مسیحی داده که علت‌العلل انحطاط مسلمین را اعتقاد به فضا و قدر بدانند و چنین وانمود کنند که اسلام خود یک آیین جبری است و در آن هرگونه اختیار و حرمت از بشر سلب شده است.	وایستگان به غرب تلاش می‌کنند به اسلام تهمت بزنند و دین اسلام را جبرگرا توصیف کنند.
۳۶	قرآن می‌گوید: وَ لَاتُؤَاخِطُوا بُرُوحَ النَّبِیِّ الَّذِیْ قَدْ جَاءَ بِبُرْهَانٍ لِّکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ تَبِعَ مِنْكُمْ آيَاتَ الْکِذْبِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَ بِبُرْهَانٍ لِّکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ تَبِعَ مِنْكُمْ آيَاتَ الْکِذْبِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَ بِبُرْهَانٍ لِّکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ تَبِعَ مِنْكُمْ آيَاتَ الْکِذْبِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَ بِبُرْهَانٍ لِّکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ تَبِعَ مِنْكُمْ آيَاتَ الْکِذْبِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَ بِبُرْهَانٍ لِّکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ	سستی، اختلاف و تفرقه آفت جهان اسلام است. قدرت دولت اسلامی با تفرقه و اختلاف از بین می‌رود تنازع داخلی برخلاف آموزه های صریح قرآن کریم است.
۳۷	کوشش کنید خودتان یا همدیگر اختلاف نداشته باشید که خیلی خطرناک است. تنازع نکنید که اگر تنازع بکنید تشنگا سست می‌شوید.	جنگ و اختلاف داخلی موجب سستی در بخش های مختلف جامعه می‌شود.
۳۸	هجوم استعمار غریب با عوامل مرئی و نامرئیش از یک‌طرف، و قصور یا تقصیر بسیاری از مدعیان حمایت از اسلام در این عصر از طرف دیگر، سبب شده که اندیشه‌های اسلامی در زمینه‌های مختلف، از اصول گرفته تا فروع، مورد هجوم و حمله قرار گیرد.	یکی از بسترهای هجوم به فرهنگ و دین اسلام، استعمار خارجی است.
۳۹	آنها (استعمارگران) احساس کرده‌اند که در سرزمین‌های شرفی و اسلامی فقط اسلام است که به‌صورت یک فلسفه‌ی مستقل زندگی به مردم آنجا روح استقلال و مقاومت می‌دهد؛ اگر اسلام نباشد چیز دیگری که بتواند با اندیشه‌های استعماری سیاه و سرخ مبارزه کند وجود ندارد.	استعمارگران خارجی، اسلام را مانع اهداف چپانگرایان خود می‌دیدند و به همین دلیل مترصد تخریب وجوه اسلام شدند.
۴۰	سید جمال مهم‌ترین درد جامعه اسلامی را استیفاء داخلی و استعمار خارجی تشخیص داد و با این دو مبارزه کرد. آخر کار هم جان خود را در همین راه از دست داد.	بهران و تهدید داخلی در کتاب استعمار خارجی عامل تهدید جهان اسلام است.
۴۱	استعمار یک لغت مناقشه‌ناست، یعنی در عین اینکه معنی درستی دارد ولی به‌صورت واقعی به کار نمی‌رود. مبطلین مسیحی که در اصطلاح آن‌ها را «مبشرین» می‌گویند، پیشقراولان استعمار بودند یعنی همیشه پای استعمار را آن‌ها به کشورهای استعمارزده باز می‌کردند؛ یعنی اول به‌صورت یک نفر مبطل مذهب وارد این کشورها شده و آنان را به اوصاف عیسی مسیح و مادرش مریم عقداً سرگرم می‌ساختند ولی پس از مدتی مردم می‌دیدند که در زیر این سروش‌های مذهبی تمام سرمایه‌های مادی آنان رفته.	استعمار با چهره نفاق سعی در تخریب منافع ملت و سوءاستفاده از دین دارد.
۴۲	قرآن در درجه اول و بعد کلمات پیغمبر اکرم همیشه به ما این‌چنین می‌گوید که جامعه اسلامی را خطر از داخل خود تهدید می‌کند، از ناحیه یک اقلیت منافق زیرک و یک اکثریت جاهل ساده‌دل ولی متعبد. آن زیرک‌ها اگر این جاهل‌ها نباشند کاری نمی‌توانند بکنند آن جاهل‌ها هم اگر این زیرک‌ها نباشند کسی آن‌ها را به راه کج نمی‌برد.	آموزه های دینی تأکید دارند که بهران داخلی و مسائل درونی نظام اسلامی، خطرناک تر از بهران بیرونی و خارجی است.
۴۳	به‌رحال منظور اصلی این است که همان‌طور که قرآن فرمود... از خارج دنیای اسلام بر اسلام نیاید ترسید، از داخل باید ترسید. ترس از داخل هم منحصر به این نیست که مردم به علل خاص شهوانی و غیره فسق و فجور کنند، بلکه از نفاق داخلی، از نیروهایی که از مواجهه علنی با اسلام می‌ترسند و ماسک اسلام به چهره می‌زنند و هدف‌های پلید خود را زیر سروش شعارهای اسلامی، آن‌هم شعارهای غلیظ و شدید، با تهی کردن اسلام از درون و محتوا و ابقاء اندام و پوسته و با تغییر دادن مسیر و هدف و بالاخره با نوعی تعریف معنوی (ذنیال می‌کنند)، از این‌ها باید ترسید.	تفرقه، فسق و فجور، شهوترانی و بهرانی های مختلف اجتماعی در جهان اسلامی تهدیدی خطرناک تر از کشورهای استعمارگر است.

<p>۴۴</p> <p>حال اگر یک ملت مسلمان و با ایمان باشند، اما آن اصلی که قرآن می‌گوید «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ مَنَّا بِأَلَيْسَ لَهُمْ مَالٌ فَجَاءُوا بِالْقَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ» سراسر فساد و دروغ و تهمت و فحشا و ظلم و ستم است، قرآن نه تنها مدعی نیست که چنین ملتی قابل بقا است که این‌ها قابل بقا نیستند.</p>	<p>حال اگر یک ملت مسلمان و با ایمان باشند، اما آن اصلی که قرآن می‌گوید «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ مَنَّا بِأَلَيْسَ لَهُمْ مَالٌ فَجَاءُوا بِالْقَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ» سراسر فساد و دروغ و تهمت و فحشا و ظلم و ستم است، قرآن نه تنها مدعی نیست که چنین ملتی قابل بقا است که این‌ها قابل بقا نیستند.</p>
<p>۴۵</p> <p>غالباً می‌بینیم معانی و مفاهیمی که ما از اسلام داریم خاصیت حیات‌بخشی و ایجاد زندگی ندارد، پس ناچار باید تجدیدنظری در این معانی و مفاهیم بکنیم، شاید مفهوم و تصور ما درباره این معانی و مفاهیم اشتباه باشد، ما باید تصور خودمان را تصحیح کنیم و این است معنی احیای تفکر اسلامی</p> <p>باید از طریق روش‌های صحیح به اسلام رجوع کرد.</p>	<p>غالباً می‌بینیم معانی و مفاهیمی که ما از اسلام داریم خاصیت حیات‌بخشی و ایجاد زندگی ندارد، پس ناچار باید تجدیدنظری در این معانی و مفاهیم بکنیم، شاید مفهوم و تصور ما درباره این معانی و مفاهیم اشتباه باشد، ما باید تصور خودمان را تصحیح کنیم و این است معنی احیای تفکر اسلامی</p>
<p>۴۶</p> <p>غرب فقط از یک چیز می‌ترسد و آن بیداری شرق اسلامی است، اینکه شرق اسلامی به خود بیاید، بیدار شود و من اسلامی خودش (من مسلمان) را کشف کند.</p> <p>شناخت صحیح ایدئولوژی اسلام عامل کشف حقایق بشری و معرفت نسبت به اسلام است.</p>	<p>غرب فقط از یک چیز می‌ترسد و آن بیداری شرق اسلامی است، اینکه شرق اسلامی به خود بیاید، بیدار شود و من اسلامی خودش (من مسلمان) را کشف کند.</p>
<p>۴۷</p> <p>مربیان دین باید اول بکشند خودشان عالم بشوند و به نام دین مفاهیم نامعقولی در اذهان مردم وارد نکنند که همان معانی نامعقول منشأ حرکت‌های ضد دینی می‌شوند؛ ثانیاً در اصلاح محیط بکشند و از آلودگی‌های محیط تا حدود امکان بکاهند؛ ثالثاً از همه مهم‌تر اینکه به نام دین و به اسم دین با فطریات مردم مبارزه نکنند.</p>	<p>مربیان دین باید اول بکشند خودشان عالم بشوند و به نام دین مفاهیم نامعقولی در اذهان مردم وارد نکنند که همان معانی نامعقول منشأ حرکت‌های ضد دینی می‌شوند؛ ثانیاً در اصلاح محیط بکشند و از آلودگی‌های محیط تا حدود امکان بکاهند؛ ثالثاً از همه مهم‌تر اینکه به نام دین و به اسم دین با فطریات مردم مبارزه نکنند.</p>
<p>۴۸</p> <p>اسلام به وجوه مختلف زندگی انسان برای تکامل توجه دارد.</p> <p>زیست اجتماعی انسان نیازمند ترویج نگاه چندبعدی به دین اسلام برای بسودن صحیح راه تمدن‌سازی است.</p>	<p>انسان یکی از موجودات عالم است و راه کمالات تنها این نیست که به اصطلاح در آنچه امروز تمدن نامیده می‌شود پیشرفت حاصل کند. اگر انسان را تنها در این سطح در نظر بگیریم مطلب همین است، ولی انسان راهی و بعدی دیگر دارد که از طریق تهذیب نفس و با آشنایی آخرین هدف یعنی ذات اقدس احدیت حاصل می‌گردد.</p>
<p>۴۹</p> <p>انقلاب‌های دینی برای تعالی نیازمند توجه به وجوه مختلف دین برای تعالی هستند.</p> <p>اسلام صرفاً مربوط به یک طیفه گروه یا جنسیت خاص نیست بلکه امری جامع و دارای شمولیت است و به همین دلیل، دینی چندبعدی و برای نیازها و شرایط مختلف است.</p>	<p>اگر این نظریه درست باشد که انقلاب ما یک انقلاب ماهیتاً اسلامی است ولی به آن معنا که ذکر شد (نه یک انقلاب صرفاً معنوی که انقلاب فقط برای نیایش و عبادت کردن است) یعنی یک انقلاب همه‌جانبه اسلامی است، یعنی روح این انقلاب را چه از جنبه مادی چه از جنبه آزادیخواهانه و چه از جنبه‌های دیگر، اسلام تشکیل می‌دهد، در این صورت تداومش هم در آینده باید بر همین مبنا و اساس باشد یعنی همه ما باید کوشش کنیم آن را اسلامی کنیم ولی نه اسلامی یک‌جانبه.</p>
<p>۵۰</p> <p>اسلام یک معنویت محض آن‌گونه که غربی‌ها درباره مذهب تصور دارند نیست. لزومی ندارد ما درباره انقلاب امروز ایران بحث کنیم، درباره خود انقلاب صدر اسلام چگونه بود؟ انقلاب صدر اسلام که یک انقلاب اسلامی و مذهبی بود در همان حال که انقلاب معنوی بود انقلاب سیاسی بود، در همان حال که انقلاب معنوی و سیاسی بود انقلاب مادی و اقتصادی هم بود.</p>	<p>اسلام یک معنویت محض آن‌گونه که غربی‌ها درباره مذهب تصور دارند نیست. لزومی ندارد ما درباره انقلاب امروز ایران بحث کنیم، درباره خود انقلاب صدر اسلام چگونه بود؟ انقلاب صدر اسلام که یک انقلاب اسلامی و مذهبی بود در همان حال که انقلاب معنوی و سیاسی بود انقلاب مادی و اقتصادی هم بود.</p>
<p>۵۱</p> <p>باید از تعریف و بدعت در دین جلوگیری کرد.</p> <p>رسالت انبیاء، حفظ دین و جلوگیری از بدعت‌های خرافی بوده است.</p>	<p>یکی از کارهای انبیا اعیان اصل دین است که اصل دین از آدم تا خاتم یکی است. البته فروع مختلف است. هر پیغمبری که می‌آید یکی از کارهایش پیرایش است.</p>

۲. تبدیل مضامین اولیه به مضامین فراگیر

در این بخش، کدهای عام و مضامین پایه که از متون شهید مطهری استخراج شدند، به مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده تبدیل می‌شوند تا بستر توصیف شبکه مضامین فراهم شود.

جدول شماره ۴. تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر		
ردیف	مضامین پایه	مضامین فراگیر
۱	ورود عناصر مکاتب شرقی و غربی به جامعه دینی منجر به التقاط خواهد شد.	نگرش التقاطی
۲	استعمار خواهان ترویج مکاتب غیراسلامی در جهان اسلام است.	
۳	مکتب التقاط نمی‌تواند به جامعه دینی کمک نماید و دستاوردهای آن مقطعی است.	
۴	مکتب های التقاطی ضرر و آسیب فراوانی برای اسلام دارند و حتی از مکاتب ضد دین هم خطرناک تر هستند.	
۵	تمایلات در جهت غرب گرایی در جهان اسلام در حال رشد است که آسیب فراوانی دارد.	تقلید از مبانی مکاتب غیر دینی
۶	ایسم ها و مکاتب غربی در بین جوانان در حال رشد هستند و نفی مکاتب دینی در حال کاهش هستند.	
۷	جهالت و عدم فهم صحیح نسبت به دین منجر به اقداماتی برخلاف مصالح دین می‌شود.	جمود و جهالت
۸	اقدامات مقدس مآبان و مدعیان دروغین دین منجر به بدبینی مردم نسبت به دین می‌شود.	
۹	آموزه های انحرافی مقدس مآبان منجر به پذیرش آموزه های دینی غربی می‌شود چون قید و بندهای سخت گیرانه پیش روی انسان قرار نمی‌دهند.	
۱۰	جمود منجر به دوری افراد از تحقیق و کنجکاوی در آموزه های دینی می‌شود.	
۱۱	علم زدگی جریان جمود منجر به دوری جامعه از محتوای دین می‌شود.	

	شود.	
واژگون سازی حقایق و معارف اسلامی	۱۲	هجوم اندیشه های رقیب منجر به ضربه خوردن دین شده است و اقدام برخی از افراد منجر به واژگونی مفاهیم اسلامی شده است.
	۱۳	تعلیمات غلط منجر به دوری مردم از دین ناب می شود
	۱۴	حقایق دین اسلام توسط برخی از افراد ناآشنا با دین و تعلیمات غلط واژگون شده است.
تعصبات بی جا	۱۵	تعصب بی جا، عدم واقع بینی مسائل دین و اقدامات انحرافی منجر به شکست دین و انقلاب ناشی از اسلام می شود.
نگرش صرفاً اخلاقی به دین	۱۶	اسلام صرفاً دینی برای اخلاق نیست بلکه دینی جامعه ساز است.
	۱۷	نگرش مبنی بر اخلاقی بودن دین، رویکردی تنگ نظرانه نسبت به دین اسلام دارد.
	۱۸	دین فراتر از مسائل احکام و عبادت است.
	۱۹	سیره علوی نشان می دهد که دین چیزی فراتر از امور اخلاقی است و نسبت به مسائل جامعه نظر دارد.
رخنه هواهای نفسانی	۲۰	هواهای نفسانی منجر به نابودی نهضت اسلامی خواهد شد.
	۲۱	رخنه کردن هوا و هوس در نیرهای مذهبی عامل آسیب پذیری نظام دین است.
کج فهمی و تفسیر نادرست برای اهداف مشخص	۲۲	برداشت و قرائت های ناصواب از دین منجر به روی گردانی مردم از دین صحیح اسلام خواهد بود.
	۲۳	معرفت نادرست به دین منجر به انکار برخی آموزه های راستین دین می شود.
	۲۴	فقدان معرفت صحیح منجر به دریافت قرائت اشتباه از آموزه های وحیانی و دگردیسی در مضامین راهبردی اسلام می شود.
استحاله محتوا و ظاهرگرایی	۲۵	دور شدن از حقیقت اسلام عامل استحاله و تخریب دین و در نهایت، انحطاط امت اسلامی می شود.
	۲۶	انحراف در جهان اسلام به دلیل برخورد گزینشی و سلیقه محور با

	مضامین و آموزه های دین اسلام است.	
از خودبینی‌گانی فرهنگی	در مسیر استعمار فرهنگی، دشمنان مترصد تزلزل در روح جامعه دینی هستند.	۲۷
	فرهنگ و تمدن غربی مترصد نابودی ارزش ها و فرهنگی دینی در جهان اسلام است.	۲۸
	بی هویتی دینی از دستاوردهای فرهنگ غربی برای تمدن های بشری است.	۲۹
	برخی قصد دارند استقلال فکری و فرهنگی اسلام را مخدوش نمایند و از جهانی بینی غربی حمایت می کنند.	۳۰
استعمار فرهنگی	توجه آیات و روایات از طریق جهان بینی مادی و تفکرات مادی گرایانه برخلاف آموزه های دینی است.	۳۱
	اندیشه های بیگانه رویکردی انحرافی نسبت به مبانی، اهداف و آموزه های اسلامی دارند.	۳۲
	غرب سعی در ترویج خودباختگی و استحاله افکار و اندیشه متفکرین جهان اسلام دارد.	۳۳
	استعمار فرهنگی از بسترهای مقابله با دین اسلام ناب است.	۳۴
	استعمار فرهنگی مترصد نابودی شخصیت فرد مسلمان و جایگزینی افکار غربی در افراد و جامعه است.	۳۵
نفوذ اندیشه های بیگانه	ورود اندیشه های مکاتب غربی در جهان اسلام یکی از شیوه های تخریب اسلام توسط معاندان و دشمنان اسلام است.	۳۶
	تحریف اندیشه های اسلامی از روش های آشکار دشمنان است.	۳۷
	اندیشه های انحرافی توسط دشمنان اسلام از طریق نیروهای فکری ناآگاه و دارای بصیرت اندک نیز وارد کشور اسلامی می شود.	۳۸
	اندیشه های وارداتی غرب از طریق برچسب های اسلامی و عناوین جدید وارد فرهنگ اسلامی می شوند.	۳۹
	شیفتگان مکاتب غربی خطرناک تر از محتوای مکاتب غربی هستند	۴۰

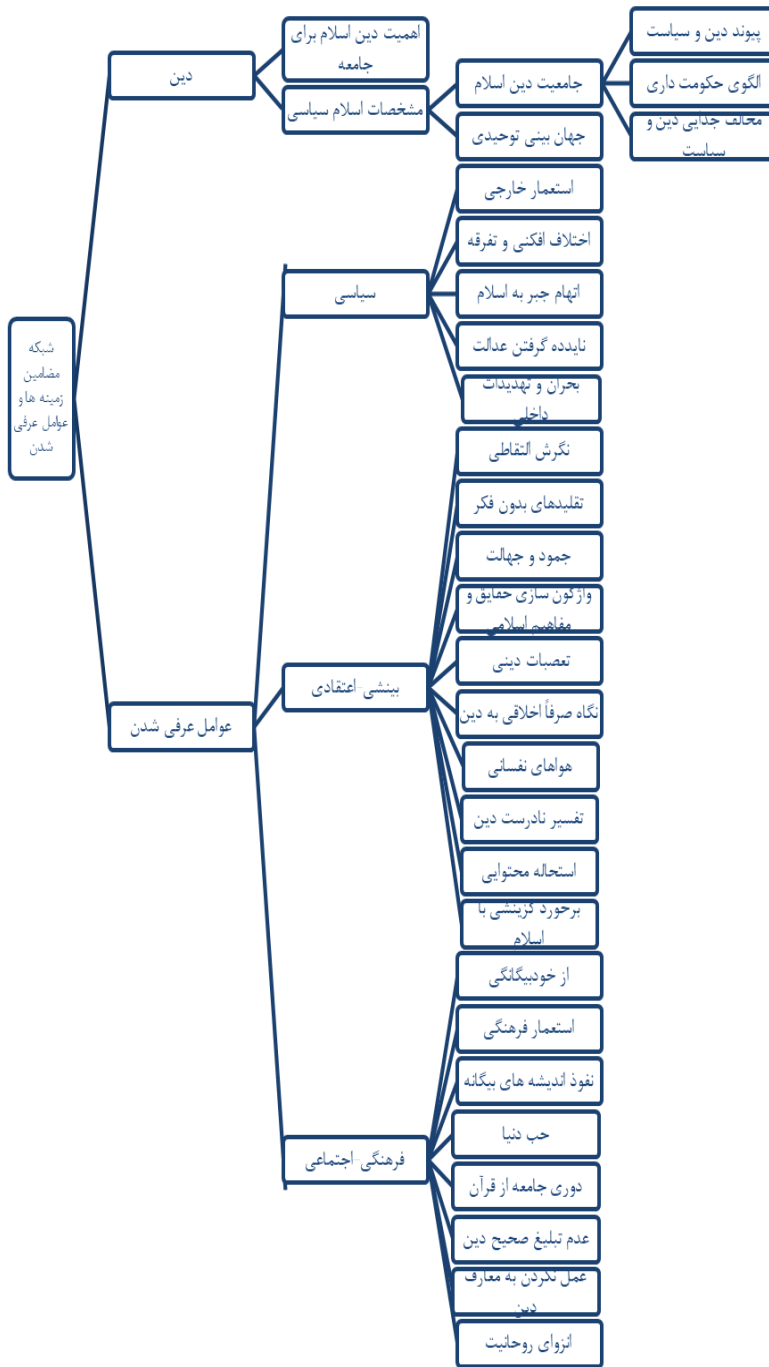
	زیرا مروج اندیشه و افکار مادی و الحادی خواهند بود.	
انزوای روحانیت	اسلام ترویج دین را برعهده علما قرار داده است و آنها باید مسئول این امر خطیر باشند و بی توجهی آنها برخلاف مصالح اسلام است.	۴۱
	روحانیتی که از مسیر اصلی دین خارج شود و دچار عوام زدگی بشود یک خطر جدی برای اسلام است.	۴۲
	روحانیت در شرایط فعلی دارای رسالت‌های مختلفی هستند که نباید نسبت به آنها غفلت نمایند.	۴۳
روشنفکران غربگرا	روشنفکران شرقی و غربی مروج اندیشه‌های ملی‌گرایانه هستند.	۴۴
	روشنفکران وابسته که افکار ملی‌گرایانه افراطی دارند یک تهدید برای ملت‌ها هستند.	۴۵
	اسلام مترصد ارتقاء محتوای زندگی است و مخالف ظواهر و تاکید بی‌اندازه بر مسائل مادی است.	۴۶
شبهوت پرستی و حب دنیا	دنیا پرستی و حب دنیا یکی از رذیلت‌های اخلاقی محسوب می‌شود.	۴۷
	دنیا پرستی برخلاف فرامین الهی است.	۴۸
	رابطه انسان و دنیا باید براساس مناسبات دینی تنظیم شود و از وابستگی به دنیا جلوگیری شود.	۴۹
	دنیاه‌گرایی ارزش و مقام انسانی را می‌کاهد.	۵۰
	حب دنیا مانع رشد و تعالی انسان می‌شود.	۵۱
	مکاتب ماتریالیستی آفت نظام ارزشی هستند.	۵۲
	دوری از معنویت، الهیات و ارزش‌های معنوی ناشی از رویگردانی مردم از دین و شبهوت‌گرایی است.	۵۳
	شبهوت و تن‌پروری عامل تنگ‌نظری و کاهش احساسات دینی در جامعه خواهد شد.	۵۴
	شبهوترانی روحیه انسانی و اسلامی را نابود می‌سازد.	۵۵
	مشغولیت به ظواهر دنیایی و تاکید بر نیازهای شهوانی، عامل نابودی	۵۶

	فرد و جامعه خواهد بود.	
دوری از قرآن کریم	دوری جامعه از قرآن و روی آوردن به زبان های غربی از جمله آفت های نظام اسلامی است.	۵۷
	متروک شدن قرآن و درک مفاهیم نورانی آن عامل عرفی شدن جامعه اسلامی می باشد.	۵۸
عدم تبلیغ صحیح	برداشت های ناصواب از دین منجر به آسیب زدن به دین می شود.	۵۹
	تبلیغ اشتباه دین منجر به جنایت های فجیع انسانی می شود.	۶۰
عمل نکردن به آموزه های دینی	عمل نکردن به آموزه های دینی یکی از مسائل مهم پیش روی جوانان در نظام اسلامی است.	۶۱
	اسلام دین عمل است و افراد باید به آموزه های اسلامی توجه داشته باشند و عمل به احکام و فرامین را مدنظر قرار دهند.	۶۲
اتهام جبر به اسلام	وابستگی به غرب تلاش می کنند به اسلام تهمت بزنند و دین اسلام را جبرگرا توصیف کنند.	۶۳
اختلاف افکنی و تفرقه	سستی، اختلاف و تفرقه آفت جهان اسلام است.	۶۴
	قدرت دولت اسلامی با تفرقه و اختلاف از بین می رود	۶۵
	تنازع داخلی برخلاف آموزه های صریح قرآن کریم است.	۶۶
	جنگ و اختلاف داخلی موجب سستی در بخش های مختلف جامعه می شود.	۶۷
استعمار خارجی	یکی از بسترهای هجوم به فرهنگ و دین اسلام، استعمار خارجی است.	۶۸
	استعمارگران خارجی، اسلام را مانع اهداف چپاولگرایان خود می دیدند و به همین دلیل مترصد تخریب وجوه اسلام شدند.	۶۹
بحران و تهدیدات داخلی	بحران و تهدید داخلی در کنار استعمار خارجی عامل تهدید جهان اسلام است.	۷۰
	استعمار با چهره نفاق سعی در تخریب منافع ملت و سوءاستفاده از دین دارد.	۷۱

	آموزه های دینی تاکید دارند که بحران داخلی و مسائل درونی نظام اسلامی، خطرناک تر از بحران بیرونی و خارجی است.	۷۲
	تفرقه، فسق و فجور، شهوترانی و بحرانی های مختلف اجتماعی در جهان اسلامی تهدیدی خطرناک تر از کشورهای استعمارگر است.	۷۳
نادیده گرفتن عدالت	نادیده گرفتن عدالت در نظام اسلامی موجب ناامیدی ملت از نظام دینی می شود.	۷۴

۳. کشف و توصیف شبکه مضامین

در این بخش، ضمن ارائه شبکه مضامین موانع و عوامل عرفی شدن در اندیشه شهید مطهری، کدهای مستخرج از متون ایشان مورد بررسی قرار خواهند گرفت.



نمودار شماره ۱. شبکه مضامین عوامل عرفی شدن نظام سیاسی در اندیشه شهید مطهری

نتیجه گیری

شهید مطهری از جمله متفکران جهان اسلام است که دین و ظرفیت‌های موجود در دین و ارتباط بین دین و سیاست را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. آنچه از نگاه ایشان به دست می‌آید این است که دین اسلام دین جامع و کاملی است که برای حیات بشری در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی برنامه و سازمان‌دهی و قواعد دارد. اسلام بدون سیاست و سیاست بدون حضور اسلام از نگاه وی جایگاهی ندارد. از منظر شهید مطهری وجود حکومت با مبنای دینی برای حیات بشری ضروری است ولی این‌که چه شخصی در رأس حکومت قرار می‌گیرد می‌تواند فقیه باشد یا کسی که مورد تأیید وی است. در حکومت اسلامی احکام اسلامی به‌عنوان مبنای نظر و عمل قرار می‌گیرد و اسلام چون خونی در ساختار حکومتی در جریان است. از منظر وی در قبال هر حکومتی یا انقلابی حضور آسیب‌ها و تهدیدها قابل‌رؤیت است؛ برای انقلاب و حکومت اسلامی نیز تهدیدهایی مطرح است که از جوانب مختلفی می‌تواند سبب‌ساز بحران برای جوامع و ملل اسلامی شود. از جمله آسیب‌ها سکولاریسم و عرفی‌سازی حکومت و فراغت بخشی سیاست از رویه و احکام دینی است. تلاش این است که نظریه‌ی دو شمشیر بر دین اسلام پیاده‌سازی شود و دین صرفاً در رویکرد فردی معنایی شود و رویکرد اجتماعی دین در حاشیه و انزوا قرار گیرد. از نگاه شهید مطهری آسیب عرفی شدن دین اسلام در جوامع مسلمانان از سه زاویه قابلیت تبیین و بررسی دارد؛ یکی خود ذات دین اسلام دومی عملکرد مسلمین و رفتار آن‌ها و سومین عامل استعمارگران و بیگانگان آنچه از بیانات و نوشته‌های استاد مطهری به دست می‌آید گویای این واقعیت است که اسلام با توجه به ظرفیت‌های مطرح‌شده در آن در ذات خود نقص ندارد و پاسخ‌گوی حیات انسان در ابعاد مختلف جهت سعادت است. ولی آنچه سبب‌ساز عرفی شدن جامعه می‌گردد، رفتار و عملکرد مسلمین و نفوذ تفکرات و رفتارهای بیگانه است. مسلمانان در برداشت از دین و پیاده‌سازی آن در ابعاد رفتاری ممکن است بنا بر میل و هوای خود عمل کنند که نتیجه‌ی آن ظهور تحریفات و ورود مبنای نظری بیگانه است. نظام‌های استعماری در تلاش هستند روزنه‌ای را در تئوری و رفتار ملل اسلامی دریابند تا نفوذ کنند. در نهایت اینکه، دین اسلام نیز دین توقف و ایستایی نیست؛ بلکه دینی است که جهت رشد و تعالی انسان‌ها نزول یافته است. لذا اگر سستی و غفلت و توقف در جوامع اسلامی مشاهده می‌گردد از ذات اسلام نیست بلکه از عملکرد ناقص و گاه‌انحراف امت اسلامی است.

منابع

۱. بخت آزمای بناب، محمد و منتظر خراسان، حجت (۱۳۹۶)، «بررسی روش تحلیل مضمون در تحقیقات با رویکرد
۲. کیفی»، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع.
۳. درخشه، جلال و همکاران (۱۳۹۴)، «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۶، پاییز، شماره ۱۷، صص ۷۲-۵۳.
۴. عباسی، ولی‌الله (۱۳۸۱)، قلمرو دین و انتظار بشر از آن در آراء و اندیشه‌های شهید مطهری، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۷ و ۶، ۴۸-۶۵.
۵. قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۵)، حکومت دینی از منظر استاد شهید مطهری، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۶. قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۱)، ولایت فقیه از دیدگاه استاد مطهری (برگرفته از کتاب اندیشه سیاسی آیه الله مطهری) بوستان کتاب قم.
۷. قربانی، قدرت‌الله (۱۳۸۴)، درآمدی بر اندیشه دینی - سیاسی شهید مطهری، انتشارات معاونت پژوهشی، انتشارات پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
۸. کلاته، حسن (۱۳۸۷)، گفتمان جمهوری اسلامی در اندیشه امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. کمالی، یحیی (۱۳۹۷)، «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، تابستان، شماره ۲، صص ۲۰۸-۱۸۹.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، احیای تفکر اسلامی، انتشارات صدرا.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، انسان‌شناسی قرآن، انتشارات صدرا.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، آشنایی با قرآن ج ۱، انتشارات صدرا.
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، حج، انتشارات صدرا.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۸)، عدل الهی، انتشارات صدرا.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۹، انتشارات صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، انقلاب اسلامی از دیدگاه فلسفه تاریخ، انتشارات صدرا.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، آشنایی با قرآن، ج ۲، انتشارات صدرا.

۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، آشنایی با قرآن، ج ۳، انتشارات صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، آشنایی با قرآن، ج ۶، انتشارات صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، آشنایی با قرآن، ج ۱۳، انتشارات صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، آشنایی با قرآن، ج ۱۴، انتشارات صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، حکمت‌ها و اندرزها، ج ۲، انتشارات صدرا.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، حماسه حسینی، ج ۱، انتشارات صدرا.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، حماسه حسینی، ج ۲، انتشارات صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۹۷)، علل گرایش به مادیگری، انتشارات صدرا.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، یادداشت‌های استاد مطهری، انتشارات صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، بیست گفتار، انتشارات صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۰)، هدف زندگی، انتشارات صدرا.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، قیام و انقلاب مهدی (ع)، انتشارات صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، خدا در زندگی انسان، انتشارات صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (۱-۷) (جلد اول - انسان و ایمان)، انتشارات صدرا.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (ج ۳)، انتشارات صدرا.
۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (جلد ۲ جهان بینی توحیدی)، انتشارات صدرا.
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، روحانیت، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، سیری در سیره ی نبوی، انتشارات صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، اسلام و مقتضیات زمان ج ۲، انتشارات صدرا.
۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، امامت و رهبری، انتشارات صدرا.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، اسلام و مقتضیات زمان ج اول، انتشارات صدرا.
۴۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، پیرامون جمهوری اسلامی، انتشارات صدرا.

۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، نظری به نظام اقتصادی اسلام، انتشارات صدرا.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، احیای تفکر اسلامی، انتشارات صدرا.
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، پانزده گفتار، انتشارات صدرا.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، پنج مقاله، انتشارات صدرا.
۴۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، آینده انقلاب اسلامی ایران، انتشارات صدرا.
۴۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، شش مقاله، انتشارات صدرا.
۴۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، مسئله شناخت، انتشارات صدرا.
۴۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، امدادهای غیبی در زندگی بشر، انتشارات صدرا.
۵۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، انسان و سرنوشت، انتشارات صدرا.
۵۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی؛ ج چهارم (انسان در قرآن)، انتشارات صدرا.
۵۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا.
۵۳. نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۱)، فلسفه ی سیاسی اسلام، انتشارات مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵۴. ولی نژاد، مهدی، خانمحمدی، احسان (۱۳۹۶)، بررسی رابطه عقل و دین در نظر شهید استاد مطهری، ماهنامه ی معرفت، شماره ۲۳۸، ص ۸۳ تا ۹۳